



مقایسه‌ای ناروا

ناصر شاهنوشی

از مشکلات مدیریتی کشور کم‌دانشی بخشی از مدیران در سطوح مختلف است. این نقیصه زمانی که با اعتمادبه‌نفس آنان همراه شود و اندیشه و به دنبال آن تصمیمات مبتنی بر این کم‌دانشی را خدشه‌ناپذیر بنگارند و به نظرات کارشناسی و علمی واقعی ننهند، منجر به چالشی جدی برای کشور می‌شود. همان‌گونه که تاکنون چنین بوده و مردم هزینه‌ای بس سنگین را از ناحیه این رویکرد متحمل شده‌اند. این چنین رویکردی مشخصاً بیشترین آسیب را به بخش‌هایی می‌رساند که در نهاد قدرت و حاکمیت از حمایت کمتری برخوردار هستند.

بخش کشاورزی در ایران برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، با نامهربانی زیادی مواجه است و بسان یتیمی می‌ماند که اغیار و اقوام به ظاهر دلسوز، فرصت را مغتنم شمرده و حقوق مسلم‌اش را غصب و تصاحب می‌کنند. طی سال‌های گذشته برخلاف واقع عنوان می‌شد که بخش کشاورزی ۹۰ درصد منابع آبی در دسترس را مصرف می‌کند و این بخش را عامل بروز مشکلات و بحران آب در کشور معرفی می‌کنند. این در حالی است که بخش کشاورزی متأثر از این بحران است، نه عامل آن. بحران منابع آبی در کشور ناشی از محدودیت ظرفیت زیستی ایران است که باید در جای خود به آن پرداخت، ولی

”

«طی سال‌های گذشته برخلاف واقع عنوان می‌شد که بخش کشاورزی ۹۰ درصد منابع آبی در دسترس را مصرف می‌کند و این بخش را عامل بروز مشکلات و بحران آب در کشور معرفی می‌کنند.»

“



این استدلال اگرچه ظاهراً مبنای علمی دارد، ولی بیان آن ناشی از همان کم‌دانشی است که مدیران ما به آن گرفتارند. برای کاهش سهم آب بخش کشاورزی و تخصیص آن به بخش صنعت، این‌گونه استدلال می‌شود که هر مترمکعب آب در بخش صنعت ارزشی به مراتب بیشتر از بخش کشاورزی ایجاد می‌کند. برای نمونه اخیراً یکی از مسئولان گفته است که هر مترمکعب آب در بخش کشاورزی ۳۰ سنت و در بخش عقب‌مانده صنعت ۳۰ دلار ارزش ایجاد می‌کند. این نحوه استدلال از اساس بی‌اعتبار است. در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی و همراه با پیشرفت تکنولوژی سهم بخش کشاورزی و صنعت از کل ارزش افزوده اقتصاد یا همان تولید ناخالص ملی به مرور زمان کاهش می‌یابد و بر سهم بخش خدمات افزوده می‌شود و این یک امر کاملاً طبیعی است که نیازی به بیان دلایل آن نیست. در حال حاضر به غیر از کشور پاکستان و حدود ۱۰ تا ۱۵ کشور آفریقایی و توسعه‌نیافته در سایر کشورهای جهان سهم بخش

هدف از بیان این آمار فرار از تصمیمات مدیریتی است که مشکلات و بحران آب در کشور را تشدید کرده و چون دیوار بخش کشاورزی کوتاه است و مدافعی ندارد، بنابراین به راحتی می‌توانند مشکلات آبی کشور را برگردن این بخش نهند. در بیست سال گذشته به اشکال مختلف، سهم بخش کشاورزی از منابع آبی کشور به نحو محسوسی کاهش یافته است. طبق داده‌های مرکز آمار در این سال‌ها حدود ۱۷ درصد از سطح زیرکشت آبی کشور کاسته شده که در واقع حدود ۲۰ میلیارد مترمکعب مصرف این بخش از این طریق کاهش یافته است. اگر خشکسالی‌های پیاپی را هم طی سال‌های گذشته در نظربگیریم، علاوه بر کم‌آبیری مزارع، بخشی از منابع آبی مورد استفاده در بخش کشاورزی به تأمین آب شرب و صنعت اختصاص داده شده است. به عبارتی هر سال از مصرف آب در بخش کشاورزی کاسته می‌شود. در سال‌های گذشته مردم

۹۹

«چون دیوار بخش کشاورزی کوتاه است و مدافعی ندارد، بنابراین به راحتی می‌توانند مشکلات آبی کشور را برگردن این بخش نهند.»

۶۶



و امنیت کشور هستیم باید بسان سایر کشورها با بخش کشاورزی مهربان باشیم.
مأخذ: روزنامه دنیای اقتصاد

”

«مقایسه ارزش یک مترمکعب آب در بخش کشاورزی با بخش صنعت از اساس اشتباه و فاقد مبنای علمی است.»

“

کشاورزی در تولید ناخالص ملی کمتر از بخش صنعت و خدمات است. در تمام این کشورها سهم بخش خدمات در تولید ناخالص ملی در حال افزایش است. قطعاً این به مفهوم کاهش اهمیت و جایگاه بخش‌های کشاورزی و صنعت نیست. این ماهیت اقتصاد در دنیای امروز است که عملاً بیشترین ارزش افزوده و همچنین اشتغال در بخش خدمات شکل می‌گیرد؛ بنابراین ارزش ایجادشده هر واحد از نهاده‌های واسطه از جمله آب در بخش کشاورزی در مقایسه با صنعت و خدمات کمتر خواهد بود. همان‌گونه که ارزش هر واحد نهاده‌های واسطه در بخش صنعت از بخش خدمات کمتر است، بنابراین مقایسه ارزش یک مترمکعب آب در بخش کشاورزی با بخش صنعت از اساس اشتباه و فاقد مبنای علمی است. اگر با این رویکرد بخواهیم منابع آبی را به بخش‌های مختلف تخصیص دهیم باید بیشترین مقدار آب به بخش خدمات اختصاص یابد، درحالی‌که بخش خدمات قوی نیازمند بخش صنعت و بخش کشاورزی مستحکم است. برای نمونه، سهم بخش کشاورزی در ارزش افزوده کل اقتصاد ایالت کالیفرنیا ۲ درصد است، درحالی‌که ۸۰ درصد منابع آبی در این ایالت به بخش کشاورزی اختصاص داده شده و جالب اینکه در سال‌های گذشته که خشکسالی برای این ایالت حکمفرما بوده از سهم آب مصرفی بخش کشاورزی با این استدلال که در ایران مبنای کاهش سهم آب مصرفی بخش کشاورزی شده، کاسته نشده است. بدون شک باید از منابع آبی کشور حفاظت کرد و به‌عنوان یک اصل در فرآیند تصمیم‌گیری در کشور بر راهکارهای افزایش بهره‌وری آب در بخش کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی تأکید کرد، ولی نه اینکه با دلایلی بی‌اساس سهم آب مصرفی بخش کشاورزی را کاست و بر سهم سایر بخش‌های اقتصادی اضافه کرد. طی سال‌های گذشته بنا به آمار رسمی کشور بهره‌وری کل عوامل تولید در فعالیت‌های کشاورزی از بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی کشور بالاتر بوده، درحالی‌که بیشترین آسیب بر پیکر این بخش وارد شده است. خلاصه آنکه اگر به فکر ثبات

